

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۹۱
صفحات: ۱۶۶-۱۴۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۵/۲۵

بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

دکتر قربانعلی گنجی* / حسن سرایلو** / یدالله طالبی***

چکیده

مشارکت سیاسی یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی و اجتماعی است که حضور در انتخابات و رأی دادن یکی از ساده‌ترین اعمال سیاسی و متداول‌ترین گونه مشارکت می‌باشد. در این بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان به‌عنوان قشر تحصیل‌کرده و عاملین تحولات در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این‌رو هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می‌باشد. در این تحقیق که در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت از روش پیمایشی بهره گرفته شده و جامعه آماری آن شامل ۳۱۳ نفر دانشجوی دختر و پسر دانشگاه آزاد مشهد می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه است. جهت آزمون سطح دینداری دو بعد سنتی و مدرن لحاظ گردیده و برای مشارکت سیاسی نیز تنها میزان حضور دانشجویان در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به لحاظ کمی در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ارتباط مستقیم و معناداری میان دینداری سنتی و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد. یعنی هرچه نمره دینداری سنتی جامعه آماری بالاتر باشد مشارکت سیاسی آن‌ها هم بیش‌تر می‌شود.

کلید واژه‌ها

دینداری، مشارکت سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی

ghganji@yahoo.com
hsarayloo@yahoo.com
y_talebi2@yahoo.com

* عضو هیأت‌علمی و استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر
** عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مینودشت
*** کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه اسلامی، واحد مینودشت

مقدمه

مشارکت سیاسی و نحوه دخالت مردم در سیاست و سرنوشت خود یکی از مناقشه‌انگیزترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی است. این مقوله به‌ویژه برای کشورهای که در مسیر توسعه سیاسی قرار دارند بسیار حیاتی است. چرا که توسعه سیاسی به مشارکت توده‌ای و اقدام عمومی در فعالیت‌های سیاسی مربوط است (عالم، ۱۳۸۴: ۱۲۵) و مشارکت سیاسی نیز می‌تواند این اقدام و مشارکت فردی یا جمعی را در سطوح مختلف نظام سیاسی به ارمغان آورد که از رأی دادن تا داشتن مقام سیاسی را شامل می‌شود (Rush, 1992: 110). رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات هم متداول‌ترین و آشکارترین نوع مشارکت سیاسی است که شهروندان از طریق آن می‌توانند هم خواسته‌ها، افکار و عقاید خود در امور سیاسی را مطرح کرده و هم در گزینش رهبران سیاسی نقش داشته باشند.

یکی از شاخصه‌های میزان مشروعیت نظام‌های سیاسی حضور و مشارکت شهروندان در انتخابات است. مردم یک جامعه نیز با حضور در فرآیند مشارکت سیاسی حمایت و مقبولیت نظام سیاسی خود را نشان می‌دهند. چرا که رقابت و مشارکت سیاسی بر مؤثر بودن و مشروعیت یک نظام تأثیرگذار خواهد بود (Almond & Verba, 1963: 330). از این‌رو نظام‌ها سعی می‌کنند با تشویق مردم به مشارکت سیاسی فضای رقابتی را در سطح جامعه ایجاد کنند که در این صورت مردم توسط نظام خود مورد توجه قرار گرفته و این امر حمایت و پشتیبانی مردم و مشروعیت نظام را در پی خواهد داشت.

نظام‌ها و رهبران سیاسی به واسطه مشارکت سیاسی می‌توانند مستقیماً با نگرش، ترجیحات و خواسته‌های شهروندان روبرو شوند. به عبارتی مشارکت سیاسی به‌عنوان یک پل ارتباطی، رهبران و مسئولین نظام‌های سیاسی را قادر خواهد ساخت تا با ارائه راهکارهای مختلف پاسخی مناسب در برابر خواسته‌های مردم داشته باشند. در این بین خصوصاً حضور در انتخابات به‌عنوان یکی از شکل‌های مشارکت سیاسی نقش مهمی را ایفا کرده و رهبران سیاسی را به‌طور مستقیم با اولویت‌های شهروندان آشنا خواهد کرد. از طرفی شهروندان هم می‌توانند از همین راه بر رفتار رهبران تأثیرگذار باشند (Hansen, 1975). از این‌رو با توجه به اهمیت مسأله مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی و بافت دینی جامعه مقاله حاضر در صدد است تا با روش پیمایشی تأثیر عامل دینداری بر مشارکت سیاسی دانشجویان را مورد بررسی قرار دهد.

گفتار اول) کلیات

الف) بیان مساله

مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی یکی از اهداف توسعه سیاسی است که بدون شک بالا بودن میزان آن در هر جامعه، گامی است در جهت تحقق هدف مذکور. بر این اساس عوامل متعددی می‌تواند در شدت یا ضعف مشارکت شهروندان تأثیرگذار باشد. چنان‌که دین و دینداری با توجه به نقش متحدکننده و هم‌بسته‌کننده‌ای (Hamilton, 1995: 12) که در سطح جامعه ایفا می‌کند می‌تواند یکی از عوامل تعیین‌کننده باشد که در این بین نقش دین اسلام به‌نظر می‌رسد پرننگ‌تر از سایر ادیان باشد در این دین، فرد مشارکت سیاسی و حساسیت نسبت به سرنوشت خود را نه تنها یک حق، بلکه نوعی تکلیف و ارزش تلقی می‌کند.

موضوع مشارکت و حضور در فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی در متون اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از آن جمله، علامه طباطبایی دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و عزت و سیاست اجتماعی را یکی از شئون اجتماعی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۷). قرآن کریم هم در آیه «و امرهم شوری بینهم»^۱ گفتگو، مشاوره و تبادل افکار را در میان مسلمانان سفارش می‌کند. امام خمینی (ره) نیز شهروندان مسلمان را نسبت به وظیفه شرعی خود در مشارکت سیاسی بر حذر داشته و معتقدند که از حقوق اولیه هر ملتی است که سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد (صحیفه نور، ج ۳: ۴۲).

این امر می‌تواند نشان‌دهنده توجه مسلمانان به بحث مشارکت سیاسی و اهمیت آن باشد. چنان‌که ارزش‌های دینی مسلمانان همواره در روند مشارکت آن‌ها بسیار تأثیرگذار بوده است (Philpot, 2007: 508; Tessler, 2002: 339; Dana et al., 2011).

این اهمیت و توجه مسلمانان به موضوع مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از اصول مسلم دموکراسی (Verba et al., 1995; Norris, 2002) تاکنون مناقشات جدی را در بین محققین و نظریه‌پردازان سیاسی برانگیخته است. در این راستا بعضی از نظریه‌پردازان برجسته هم‌چون هانتینگتون^۲ (۱۹۹۶) و فوکویاما^۳ (۱۹۹۲) هر گونه ارتباط و سازگاری میان اسلام و اصول دموکراسی را مردود دانسته و در مقابل برخی معتقدند که این دو نه تنها ناسازگار نیستند، بلکه

۱- سوره شوری آیه ۳۸

2- Huntington

3- Fukuyama

شهروندان مسلمان نیز تمایل جدی به دموکراسی داشته و از آن به شکل مطلوبی حمایت می‌کنند (Esposito and Mogahed, 2007; Esposito and Voll, 1996; Inglehart and Norris, 2003).

در این بین ارتباط میان مذهب و ارزش‌های دینی با مشارکت سیاسی طبقه دانشجویان نسبت به سایر اقشار جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که دانشجویان به‌عنوان قشر روشنفکر به اقتضای عواملی چون جوان بودن، حساس بودن و آرمان‌خواهی در کنش‌های سیاسی، یکی از ارکان اصلی توسعه سیاسی در هر نظامی هستند و بسیاری از شاخص‌های توسعه‌یافتگی را در مقابل گروه‌های سنتی دارا می‌باشند (محمدی، ۱۳۷۸: ۹-۱۰). از طرفی همین دانشجویان در صورتی که مجاری مناسبی جهت بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود داشته باشند نقش مؤثری در سلامت و ثبات سیاسی جامعه ایفا خواهند کرد و اگر بنا به هر دلیلی حس تعلق به نظام سیاسی حاکم را از دست داده و احساس بیگانگی کنند می‌توانند به عامل بی‌ثباتی در جامعه تبدیل شوند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۰).

از آن‌جا که این قشر قرار است در آینده عهده‌دار امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش خواهند بود، بررسی و شناخت رفتار سیاسی آن‌ها بسیار با اهمیت جلوه می‌کند. چرا که مطالعه و تبیین رفتار آن‌ها به‌عنوان آینده‌سازان هر جامعه ما را قادر به ارزیابی و پیش‌بینی بسیاری از وقایع و تحولات سیاسی آینده خواهد ساخت. از این‌رو، با توجه به بافت دینی جامعه و با عنایت به فقدان و ضعف در پژوهش‌هایی که رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی را بررسی کنند، مطالعه حاضر در صدد است با انجام یک پیمایش در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اولاً تصویر روشنی از اوضاع دینداری آن‌ها ارائه نماید و ثانیاً تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی دانشجویان را مورد بررسی قرار دهد.

از این‌رو، با توجه به اهمیت نقش دین در زندگی سیاسی و فعال بودن قشر دانشجویان در این زمینه پژوهش حاضر در پی دستیابی به این سؤال است که چه رابطه‌ای میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد؟ و سؤال دوم اینکه چه رابطه‌ای میان جنسیت و سطح تحصیلات با مشارکت سیاسی و میان جنسیت با دینداری دانشجویان وجود دارد؟

ب) پیشینه موضوع

تاکنون تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با دینداری و مشارکت سیاسی در غرب صورت گرفته است. متأسفانه این موضوع در ایران سابقه چندانی ندارد و تحقیقات معدودی هم که در چند

سال اخیر صورت گرفته عمدتاً توسط نهادهای دولتی بوده است. اغلب نتایج و داده‌های به‌دست آمده از تحقیقات فوق نیز با توجه به ملاحظات سازمانی در اختیار سایر پژوهشگران قرار نمی‌گیرد. با توجه به این امر معدود مطالعات انجام شده داخلی به همراه تحقیقات خارجی در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیدامامی و عبدالله (۱۳۸۸) منابع اجتماعی و عوامل انگیزشی را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مردم تهران مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان منابع اجتماعی عامل دینداری پاسخگویان براساس میزان پایبندی آن‌ها به تکالیف شرعی نیز لحاظ شده است. تحلیل داده‌ها نشان داد که اکثریت افراد خود را به انجام تکالیف دینی موظف می‌دانند و این گویه از دینداری رابطه معنادار و مثبتی با مشارکت سیاسی پاسخگویان دارد. همچنین در میان عوامل انگیزشی احساس تکلیف شرعی از مهم‌ترین عوامل مشارکت سیاسی پاسخگویان است.

«مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در آفریقا» (Dowd & Hofman, 2009) عنوان پژوهشی است که به تأثیر مذهب بر مشارکت سیاسی زنان و مردان مسیحی آفریقا می‌پردازد. این پژوهش که در طول سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در سه کشور نیجریه، سنگال و اوگاندا انجام گرفت نشان داد که هم اسلام و هم مسیحیت مشوق زیادی برای مشارکت سیاسی مردان و زنان است. اگرچه که مشارکت در بین مردان بیش‌تر است اما زنان مذهبی‌تر از مردان بوده و اعتقادات دینی تأثیر بسیار مثبت و قوی بر مشارکت سیاسی زنان مسلمان نسبت به مسیحی دارد. همچنین یافته‌ها نشان دادند که نه مسیحیت و نه اسلام به هیچ‌عنوان منجر به کاهش مشارکت سیاسی زنان نمی‌شود. از طرفی اعتقاد دینی تأثیر بسیار مثبتی بر مشارکت سیاسی نسبت به عمل دینی و اجتماعی افراد داشته و کسانی که جهت‌گیری دینی دارند از شناخت سیاسی بالایی هم برخوردارند.

پژوهش تجربی تحت عنوان «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان» (امام جمعه‌زاده، محموداوغلی و عیسی‌نژاد، ۱۳۸۹) نشان داد که میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهشگران جهت آزمون و بررسی متغیر دینداری دو بعد مناسکی و اعتقادی را در نظر گرفتند و برای مشارکت سیاسی دو وجه آن یعنی عوامل روانشناختی- نگرش و شیوه مشارکت (رسمی و غیررسمی) را لحاظ کردند. داده‌ها نشان دادند که بعد مناسکی دینداری پاسخگویان قوی‌تر از بعد اعتقادی آن‌هاست و بالاترین درجه همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی عینی و بعد مناسکی

دینداری و کم‌ترین آن مربوط به بعد اعتقادی دینداری با مشارکت ذهنی است. همچنین در تمامی ابعاد مشارکت سیاسی ضرایب رگرسیون استاندارد نشان داد که مناسک مذهبی عامل پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است (امام جمعه‌زاده، محمود اوغلی و عیسی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۷، ۲۵).

کوربا و لیل (Jones-Correa & Leal, 2001) جهت درک بهتر مذهب در زندگی لاتینی‌های آمریکا نظریه وربا و همکاران (۱۹۹۵) مبنی بر تأثیر تفاوت‌های نژادی بر مشارکت سیاسی شهروندان را به چالش کشیدند. طبق نظریه مذکور مردم پروتستان باید مشارکت بیشتری نسبت به کاتولیک‌ها داشته باشند. اما یافته‌ها در این پژوهش نشان دادند که تفاوت‌های نژادی و برتر بودن پروتستان‌ها بی‌تأثیر بوده و بر خلاف نظریه وربا کاتولیک‌ها مشارکت سیاسی قوی‌تری به‌ویژه در انتخابات کنگره دارند. براساس داده‌های به‌دست آمده مشخص شد که کلیسا و عضویت در آن نسبت به سایر انجمن‌های مدنی تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی شهروندان دارد. همچنین کسانی که حضور بیشتری در کلیسا دارند از مشارکت سیاسی قوی‌تری هم برخوردارند.

«بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران» (هاشمی، فولادیان و فاطمی امین، ۱۳۸۸) عنوان مقاله‌ای است که عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی در آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این بین انعطاف مذهبی و درجه مذهبی بودن نیز به‌عنوان عوامل مؤثر مورد آزمون قرار گرفتند که مشخص شد رابطه معناداری با میزان مشارکت سیاسی افراد دارد. براساس یافته‌های به‌دست آمده مشخص شد که هرچه افراد مذهبی‌تر باشند مشارکت سیاسی بیشتری هم خواهند داشت (هاشمی، فولادیان و فاطمی امین، ۱۳۸۸: ۲۱۴). جمال با تحقیق بر روی ۳۳۵ نفر از مسلمان آمریکایی در سال ۲۰۰۲ متوجه شد که حضور و مشارکت در مساجد حس آگاهی گروهی مسلمانان را توسعه داده و به مانند دیگر نهادهای دینی در ایالت متحده نقش مهمی در بسیج آن‌ها جهت مشارکت مدنی دارد. یافته‌ها نقش پراهمیت مسجد در فعالیت‌های مدنی و سیاسی شهروندان مسلمان را به خوبی نشان دادند. همچنین مشخص شد که میان مشارکت در مساجد و فعالیت‌های دینی مسلمانان با مشارکت مدنی و سیاسی آن‌ها رابطه مثبتی برقرار است (Jamal, 2005: 531-537).

اونیل در پژوهش «جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی» (O'Neill, 2004) فعالیت‌های داوطلبانه دینی را به‌عنوان عنصری از سرمایه اجتماعی و محرک مشارکت سیاسی

در میان زنان مورد بررسی قرار داده است. در این کار تحقیقی مشخص شد که میزان نرخ بالای مشارکت زنان در سازمان‌های دینی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که دینداری قوی زنان کاملاً با نقش‌های سنتی آن‌ها به‌عنوان حامیان اخلاقیات خصوصاً برای کودکان گره‌خورده و تأثیر مهمی در عقاید سیاسی آن‌ها دارد.

پژوهشی تحت عنوان «دینداری و حکومت اسلامی در ایران» (آزادارمکی، ۲۰۰۸) رابطه میان سطح دینداری و گرایش‌های سیاسی-اجتماعی شهروندان تهرانی را مورد بررسی قرار داده است. در یک قسمت از این پژوهش ارتباط دینداری و قائل بودن به مشارکت سیاسی نیز مدنظر قرار گرفته است. یافته‌ها نشان دادند کسانی که سطح دینداری بالاتری دارند کمتر قائل به مشارکت سیاسی برای زنان هستند. براساس نتایج به‌دست آمده مشخص شد کسانی که دینداری قوی‌تری دارند حمایت بیش‌تری هم از نظام به‌عمل می‌آورند.

جمنا و کارلرو^۱ در بررسی خود به این نتیجه رسیده‌اند که میان مشارکت سیاسی با مشارکت مذهبی و فعالیت‌های مذهبی افراد رابطه معناداری برقرار است. آن‌ها در پژوهشی تحت عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» (۲۰۰۹) بعد از انتخابات نوامبر ۲۰۰۸ در رومانی متوجه شدند که دانشجویان مشارکت مذهبی بالایی دارند و مشارکت سیاسی در کسانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند بسیار بیش‌تر از کسانی است که هیچ‌گونه فعالیت‌هایی ندارند. محققین در نظریه اجتماعی عامل مذهب را بسیار مهم قلمداد می‌کنند که باعث می‌شود فعالیت‌ها از سطوح فردی به سطح عمومی و مشارکت اجتماعی منتقل شود. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند که کلیسا نقش مهمی در روند مشارکت سیاسی ایفا می‌کند (Jemna & Curelaru, 2009: 171).

نوریس در مقاله «مبارزه انتخاباتی ۲۰۰۰ ایالت متحده آمریکا» (Norris, 2000) اهمیت دین در روند مشارکت سیاسی ایالت متحده را بررسی می‌کند. محقق در این کار پژوهشی براساس یافته‌های خود نشان داد که دین نقش به‌سزایی در رأی دادن مردم و انتخابات دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که دین قوی‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده کسانی بود که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کرده و به بوش یا ال‌گور رأی دادند.

1- Jemna & Curelaru

«مشارکت سیاسی مسلمانان آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر» (Ayers & Hofstetter, 2008)، عنوان پژوهشی است که براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت. محققین به طور خاص بر ویژگی‌های مذهبی، منابع سیاسی، ساختارهای اجتماعی و آگاهی سیاسی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی تأکید دارند. براساس داده‌های به دست آمده مشخص شد که مسلمانان نرخ بسیار بالای مشارکت سیاسی را نسبت عموم مردم دارند. همچنین منابع دینی مسلمانان رابطه معنادار و مثبتی با مشارکت سیاسی آن‌ها داشته اما باورهای دینی این تأثیر را ندارند.

فیروزجائیان و جهانگیری در پژوهش «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران» (۱۳۸۷) با تأکید بر جامعه‌پذیری سیاسی سعی در تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان دارند. محققین ۲۱ متغیر را به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی لحاظ کردند که از این میان متغیر تعهد مذهبی نیز یکی از عوامل مربوط بود که رابطه معناداری با مشارکت سیاسی دارد.

پژوهشی با عنوان «ایمان و سیاست‌ها: تأثیر اعتقادات دینی بر مشارکت سیاسی» (Driskell, Embry & Lyon, 2008) تأثیر سنت‌ها، اعتقادات و رفتارهای دینی را بر مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده باورها و اعتقادات دینی ارتباط قابل توجهی با مشارکت سیاسی ملی دارند. البته فعالیت‌های دینی به واسطه تنها یک سنت دینی تأثیر منفی بر مشارکت دارد اما حضور و مشارکت در کلیسا باعث افزایش مشارکت سیاسی می‌شود. نهایتاً اینکه انواع مختلف اعتقادات دینی تأثیرات متفاوتی بر مشارکت سیاسی می‌گذارند.

ج) تعریف مفاهیم

۱- مشارکت سیاسی

حضور شهروندان در روند سیاست‌های عمومی نوعی مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی فعالیت‌های شهروندان خصوصی یا سازمان‌ها و گروه‌های عمومی و خصوصی جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر انتخابات و ساختارهای دولتی است (Alford & Friedland, 1975: 430). از این منظر هانتینگتون و واینر^۱ نیز تلاش‌های افراد عادی در هر نوع نظام سیاسی جهت نفوذ بر کار حاکمان و تغییر رفتار آنان را از وجوه مشارکت سیاسی می‌دانند (Huntington, 1996: 139).

1- Huntington & Weiner

در رابطه با مشارکت سیاسی دو سطح تحلیل قابل تشخیص است. یکی سطح تحلیل خرد که دربرگیرنده حالات شخصیتی و رفتاری شهروندان است و دیگری سطح تحلیل کلان که سیاست‌ها، مسئولین و رهبران نظام را در بر می‌گیرد. از این منظر مشارکت سیاسی فعالیت‌ها و کوشش‌های شهروندان خصوصی یک جامعه به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی است (Huntington & Nelson, 1976: 14).

مشارکت سیاسی فعالیت اجتماعی و داوطلبانه اعضا یک جامعه است که فرد در آن می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی و یا انتخاب رهبران مشارکت داشته باشد (McCluskey, 1968: 249). هانتینگتون نیز بر جنبه داوطلبانه بودن فعالیت‌های شهروندان در مشارکت سیاسی تأکید می‌کند (Huntington, 1976: 15-17). واینر هم مشارکت را عملی داوطلبانه تلقی می‌کند که برای تأثیرگذاری بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی شکل می‌گیرد. در اینجا مشارکت فعالیت است که اثر می‌گذارد یا قصد آن را بر حکومت دارد (Weiner, 1971: 164). مشارکت سیاسی می‌تواند سطوح متفاوتی نیز داشته باشد. از جمله مک‌کلاوسکی^۱ سطوح ذیل را برای آن در نظر می‌گیرد. ۱- رأی دادن، ۲- کسب اطلاعات سیاسی، ۳- بحث در مورد موضوعات و مسائل سیاسی، ۴- شرکت در جلسات و محافل سیاسی، ۵- کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی، ۶- گفتگو و مذاکره با نمایندگان، ۷- عضویت در احزاب سیاسی، ۸- شرکت در ثبت‌نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی، ۹- نگاشتن مقالات و ارائه سخنرانی، ۱۰- شرکت در رقابت‌ها و مبارزات سیاسی و ۱۱- رقابت برای انتخاب شدن جهت احراز پست‌های سیاسی (نقل از خداوردی، ۱۳۸۴: ۲۲). از نظر میلبرث و گوئل^۲ (۱۳۸۶) نیز رای دادن، فعالیت انتخاباتی و حزبی، فعالیت اجتماعی، ارتباط و تماس با صاحب منصبان، اعتراض و وارد شدن در فرآیند ارتباط سیاسی از جمله سطوح مختلف مشارکت سیاسی می‌باشد.

به هر حال مشارکت سیاسی چه سطوحی داشته باشد یا چگونه باشد عواملی نیز در آن دخیل است. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی می‌توان به دو دسته نظریات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اشاره کرد. در نظریات جامعه‌شناختی معمولاً مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی چون پایگاه طبقاتی، منزلت اجتماعی، مشارکت در سازمان‌ها، سن، جنس و... مورد نظر می‌باشد. نظریه‌های روان‌شناختی نیز بیش‌تر بر جنبه‌های شخصیتی افراد تأکید دارد.

1- McCluskey, Herbert

2- Milbrath & Goel

از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در بحث جامعه‌شناختی می‌توان به سیمورمارتین لیپست^۱ (۱۹۶۰)، هانتینگتون و نلسون (۱۹۷۶) و آلموند و وربا (۱۹۶۳) اشاره کرد. هانتینگتون و نلسون در این باره منزلت اجتماعی، عضویت و مشارکت در انواع سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی می‌دانند. آلموند و وربا هم پایگاه طبقاتی و عضویت در سازمان‌های داوطلبانه را مهم‌ترین عامل در نظر می‌گیرند. لیپست نیز با تأکید بر مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی هم‌چون سن، جنس، منزلت اجتماعی، پایگاه طبقاتی و عضویت سازمانی معتقد است که مشارکت افراد در فرآیند سیاسی بسته به این عوامل تغییر می‌کند (Lipset, 1960: 184).

بر خلاف نظریات جامعه‌شناختی که بیشتر بر مباحث کلان یا عوامل و ساختارهای اجتماعی تأکید دارد، مباحث روان‌شناسانه بر سطح تحلیل فردی تکیه دارد. در این مورد احساسات، نگرش‌ها و گرایش‌های افراد و در کل ویژگی‌های شخصیتی و روانی آن‌ها مورد نظر می‌باشد. به‌طور مثال دال^۲ در اثر مشهور خود «تحلیل سیاسی مدرن» (۲۰۰۵) در بررسی تفاوت‌های یک انسان سیاسی با انسان غیرسیاسی، معتقد است عوامل انگیزشی و روانی در تقویت مشارکت سیاسی شهروندان بسیار مؤثرند. طبق نظر دال مشارکت افراد هنگامی افزایش می‌یابد که آن‌ها بدانند یا احساس کنند که نتایج حاصل از تلاش و فعالیت‌شان تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی داشته باشد (Dahl & Stinebrickner, 2005).

علاوه بر جنبه روان‌شناختی مشارکت سیاسی، نوریس (Norris, 2005) با ترکیب رویکردهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی الگوی خاصی برای تبیین مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد که در این باره به سه دسته نظریه در سطح خرد، کلان و متوسط اشاره دارد. در سطح کلان ما با ساختارهای کلی نظام مثل قانون اساسی، نظام حزبی، دیوان‌سالاری و... سرو کار داریم و در سطح میانی نهادهای بسیج‌گر و شبکه‌های اجتماعی که حس مشارکت در افراد را باعث می‌شوند مهم است. مانند: احزاب، اتحادیه‌ها و مراکز مذهبی. اما در سطح خرد ویژگی‌های شخصیتی افراد حائز اهمیت است که در دو قسمت نظریه منابع و نظریه انگیزش قابل بررسی است. در نظریه منابع به مجموعه‌ای از منابع تأثیرگذار در مشارکت سیاسی هم‌چون تحصیلات و درآمد توجه می‌شود. در نظریه انگیزش نیز برخی عوامل انگیزشی چون اعتقادات دینی، ارزش‌های سیاسی و یا حس وظیفه ملی و مسئولیت مدنی در نظر گرفته می‌شود (Norris, 2005: 8).

1- Lipset

2- Dahl

۲- دینداری

دین مجموعه‌ای از قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است که خداوند جهت اداره فرد و جامعه بشری و پرورش انسان‌ها در اختیار او قرار داده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۳۳). سراج‌زاده دین را نظامی از باورها و رفتارها می‌داند که به مابعدالطبیعه مربوطه می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). دورکیم^۱ نیز دین را نظام یک‌پارچه‌ای از اعتقادات و اعمال مرتبط با امور مقدس می‌داند که جزء امور ممنوعه و جدا از سایر امور تلقی می‌شوند. اعمال و عقایدی که درون یک جامعه اخلاقی واحد به نام کلیسا تمام کسانی که به آن عقاید پایبندند را هم‌بسته می‌کند (نقل از Hamilton, 1995: 12).

دینداری هم زمانی است که فرد تعهد و پایبندی به اصول و قواعد مذکور یا دین مورد نظر خویش را داشته باشد. «دینداری تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد می‌باشد» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۳). برنت و دانیل^۲ دینداری را باور و اعتقاد به خدا همراه با تعهد به پیروی از اصولی که معتقدند توسط خداوند تنظیم می‌شود می‌دانند (Vitell, 2005: 175). دینداری یک جامعه اعتقادی را با تعالیم و روایت‌هایی که اخلاقیات را تشویق می‌کند فراهم می‌آورد (Vitell, 2005: 156).

همچنین دینداری می‌تواند ابعادی را شامل شود. برای مثال کرنوال^۳ آن را بر سه بعد می‌داند. (۱) شناخت^۴: که همان دانش و اعتقادات دینی است. (۲) اثرگذاری^۵: که عمل براساس دلبستگی عاطفی یا احساسات عاطفی در مورد دین ملاک است و (۳) رفتار^۶: که حضور در مکان‌های مذهبی و خواندن کتاب مقدس و دعا را در بر می‌گیرد (Barnett et al., 1996: 1163). اعتقادات، احکام و اخلاقیات سه بعد دیگر دینداری از نظر مطهری می‌باشند (نقل از شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۲). شجاعی‌زند نیز عقیده (معتقد بودن)، ایمان (مؤمن بودن)، عبادت (اهل عبادت بودن)، اخلاق (اخلاقی عمل کردن) و شریعت (متشرع بودن) را در نظر می‌گیرد (شجاعی‌زند، مزینانی، حبیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۰). اما مشهورترین ابعاد مطرح شده در دینداری مربوط به گلاک و استارک^۷ می‌باشد. این دو پژوهشگر پنج بعد ذیل را برای دینداری افراد قائلند.

- 1- Durkheim
- 2- Daniel and Burnett
- 3- Cornwall
- 4- Cognition
- 5- Affect
- 6- Behavior
- 7- Glock & Stark

۱) بعد اعتقادی^۱: اعتقادات و باورهای مسلم یک دین را شامل می‌شود. ۲) بعد مناسکی یا عملی^۲: شامل اعمال عبادت و پرستش است. اعمالی که مردم برای تعهدات دینی خودشان انجام می‌دهند و شامل دو قسمت می‌باشد. الف) آیین مذهبی^۳: که مجموعه‌ای از مناسک، اعمال دینی رسمی و اعمال مقدس را در برمی‌گیرد. ب) دعا یا پرستش^۴: که تا حدی یکسان اما اما متفاوت از آیین مذهبی است. این قسم نسبتاً خودانگیخته، غیررسمی و به‌طور معمول خصوصی است. ۳) بعد تجربی^۵: این بعد با احساسات، ادراک و عواطفی که توسط یک پیرو تجربه شده مرتبط است. ۴) بعد دانشی^۶: مربوط به اطلاعات و دانش شخص دین‌دار نسبت به اعتقادات مذهبی خود می‌باشد. ۵) بعد پیامدی^۷: این بعد نسبت به چهار بعد قبلی متفاوت‌تر است. چرا که این بعد تأثیر اعتقاد، عمل، تجربه و دانش دینی را در زندگی روزمره افراد مشخص می‌کند (Glock & Stark, 1974).

در این پژوهش در کنار دینداری دو عامل سطح تحصیلات و جنسیت نیز به‌عنوان دیگر عوامل مهم تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مدنظر می‌باشد. بدین ترتیب با الهام از سوابق نظری و تجربی، عناصر تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی که در پژوهش حاضر مدنظر می‌باشد را می‌توان به‌ترتیب ذیل دانست:

۱- سطح تحصیلات

۲- جنسیت

۳- دینداری

د) فرضیات اساسی

۱. انتظار می‌رود میان سطح دینداری و سطح تحصیلات با مشارکت سیاسی رابطه‌ای معنادار در جهت مثبت وجود داشته باشد. به‌طوری‌که هرچه دینداری دانشجویان قوی‌تر باشد میزان مشارکت آن‌ها هم بیش‌تر خواهد شد و همچنین با بالا رفتن سطح تحصیلات نیز بر احتمال شرکت دانشجویان در انتخابات افزوده می‌شود.

-
- 1- Belief
 - 2- Practice
 - 3- Ritual
 - 4- Devotion
 - 5- Experience
 - 6- Knowledge
 - 7- Consequences

۲. انتظار می‌رود دانشجویان دختر دینداری قوی‌تری نسبت به دانشجویان پسر داشته باشند، اما دانشجویان پسر از میزان مشارکت سیاسی بالاتری برخوردار باشند.

ه) روش پژوهش

داده‌های مورد تحلیل در مقاله حاضر برگرفته از یک مطالعه پیمایشی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به انجام رسیده است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، «نمونه‌گیری تصادفی ساده» بوده که متناسب با جمعیت دانشجویان (دختر و پسر) در چهار دانشکده، ۳۱۳ نفر به‌طور تصادفی برگزیده شده و با آن‌ها حضوری مصاحبه به‌عمل آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه می‌باشد که برای تعیین اعتبار و روایی آن از اعتبار صوری بهره گرفته شده است. جهت اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. همچنین متغیرهای مورد بررسی جهت سنجش مطابق شرح ذیل می‌باشد:

و) متغیرهای تحقیق

۱- متغیر وابسته

در مطالعه حاضر مشارکت در انتخابات به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد که در قالب سه بعد شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا بررسی شده است.

۲- متغیر مستقل

در این پژوهش دینداری با دو گویه سنتی و مدرن متغیر مستقل می‌باشد. جهت سنجش گویه سنتی بعد مناسکی دینداری و برای گویه مدرن ابعاد تجربی و پیامدی دینداری در نظر گرفته شده است.

گفتار دوم: یافته‌های تحقیق

الف) ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

از مجموع ۳۱۰ نفر پاسخگو ۵۷,۸ مرد و بقیه زن بوده که میانگین سنی آن‌ها ۲۲ سال است. از لحاظ وضعیت شغلی، ۱۴,۹ درصد پاسخگویان شاغل و ۸۵,۱ درصد بیکارند. بیش‌ترین فراوانی سطح تحصیلات با ۷۹,۴ مربوط به مقطع کارشناسی بوده و اکثر آن‌ها یعنی ۳۵,۶ درصد در دانشکده فنی مشغول به تحصیل هستند. به‌علاوه ۱۷,۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۸۲,۵ درصد مجردند. بیش‌تر افراد یعنی ۹۷,۱ درصد به لحاظ مذهبی شیعه بوده و اکثر دانشجویان یعنی ۸۱,۶ درصد هم فارس هستند.

ب) توصیف متغیرها

۱- مشارکت سیاسی

براساس نتایج به‌دست آمده مشخص شد که بیش‌ترین حضور دانشجویان یعنی ۷۴ درصد در انتخابات ریاست جمهوری بوده است. ۴۷,۳ درصد آن‌ها در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده و پایین‌ترین میزان مشارکت آن‌ها با ۲۶ درصد مربوط به انتخابات شوراهای اسلامی می‌باشد.

۲- دینداری

در این پژوهش شاخص دینداری سنتی با ۶ سؤال مورد سنجش قرار گرفت. همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است میانگین نمره دانشجویان در سنجش‌های گرفتن روزه و خواندن نمازهای روزانه بالا بوده و ضعیف‌ترین نمره آن‌ها مربوط به شرکت در نمازهای جماعت با میانگین ۱,۳۲ و شرکت در نماز جمعه با نمره ۰,۸۲ می‌باشد. نمره سنجش‌های شرکت در مجالس مذهبی و خواندن قرآن و دعا نیز در حد متوسط قرار دارد.

جدول ۱- دینداری سنتی

	خواندن نمازهای روزانه	گرفتن روزه	خواندن قرآن و دعا	شرکت در نمازهای جماعت	شرکت در نماز جمعه	شرکت در مجلس مذهبی
میانگین	۲,۶۹۸۴	۳,۰۰۰۰	۲,۱۱۷۵	۱,۳۲۷۰	۰,۸۲۸۶	۲,۰۲۸۶
حداقل	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰
حداکثر	۴,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰

شاخص دینداری مدرن نیز با ۸ سؤال مورد سنجش قرار گرفت که میانگین آن‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- دینداری مدرن

میانگین	حداکثر	حداقل	سنجه‌های دینداری مدرن
۷۱,۲	۱۰۰	۰	اعتقاد به وجود راه‌های مختلف برای رسیدن به حقیقت دین
۴۷,۲	۱۰۰	۰	اعتقاد به وجود تنها یک قرائت بر حق از دین
۶۳,۷	۱۰۰	۰	میزان موافقت با قابل اجرا نبودن بسیاری از قوانین دین در جامعه امروز
۵۰,۷	۱۰۰	۰	حکومت موفق حکومتی است که بر مبنای دین اداره شود
۴۹	۱۰۰	۰	جامعه بدون حکومت دینی دیندار نمی‌ماند
۵۰,۵	۱۰۰	۰	میزان موافقت با برگرفتن تمام قوانین حکومتی از منابع دینی

براساس نتایج جدول فوق به‌طور متوسط ۷۱,۲ درصد دانشجویان موافق وجود راه‌های مختلف برای رسیدن به حقیقت دین بوده و ۶۳,۷ درصد معتقدند که بسیاری از قوانین دینی در جامعه امروز قابل اجرا نیستند. نظر آن‌ها در رابطه با اعتقاد به وجود یک قرائت برحق از دین، میزان موافقت با برگرفتن تمام قوانین حکومتی از منابع دینی، موفق بودن حکومت بر مبنای دین و دیندار ماندن جامعه بواسطه حکومت دینی بینابین است.

ج) آزمون فرضیات

۱- رابطه سطح دینداری و مشارکت سیاسی

در بررسی رابطه فوق که از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده تنها ارتباط میان دینداری سنتی و مشارکت سیاسی معنادار و مثبت می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شدت رابطه بین دو متغیر مذکور ۰,۲۹۸ بوده و جهت رابطه نیز مثبت است و با توجه به این که سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰,۰۱ ($Sig=0,000$) است بنابراین می‌توان گفت که نتیجه به‌دست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. یعنی هرچه افراد دینداری سنتی بیش‌تری داشته باشند مشارکت سیاسی بالاتری نیز دارند و برعکس.

جدول ۳- تحلیل دومتغیره رابطه سطح دینداری و میزان مشارکت سیاسی

آماره‌ها	مقادیر
مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن	۰,۲۹۸
سطح معناداری	۰,۰۰۰

اما نتایج حاصل از آزمون رابطه بین دو متغیر دینداری مدرن و مشارکت سیاسی با ضریب ۰,۱۶۵- نشان داد که جهت رابطه منفی است. یعنی هرچه افراد دینداری مدرن‌تری داشته باشند مشارکت سیاسی آنان پایین‌تر است.

۲- تأثیر جنسیت بر دینداری

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین دو نمونه مستقل (independent sample t-test) در جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین میزان دینداری مردان (۱۱,۳۶) بالاتر از زنان (۹,۸۹) بوده و با توجه به این که سطح معناداری آزمون t کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد (Sig=۰,۰۱۵) می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که فرض محقق مبنی بر قوی‌تر بودن دینداری زنان رد می‌شود.

جدول ۴- تأثیر جنسیت بر دینداری

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
مرد	۱۸۲	۱۱,۳۶۲۶	۵,۵۲۳۴۶	۴۰۹,۴۳	۰,۴۵۸	۰,۴۹۹	۲,۴۴۱	۰,۰۱۵
زن	۱۳۲	۹,۸۹۳۹	۴,۸۸,۶۵	۰,۴۲۴۸۱				

۳- تأثیر جنسیت بر مشارکت سیاسی

بررسی رابطه جنسیت و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که میانگین میزان مشارکت سیاسی در بین مردان (۱,۶۶) بالاتر از زنان (۱,۳۱) بوده و با توجه به این که سطح معناداری آزمون t کمتر از ۰,۰۵ (Sig=۰,۰۰۴) است بنابراین می‌توان گفت که با پذیرش فرض عدم

برابری واریانس‌ها وجود تفاوت معنادار بین میانگین مشارکت سیاسی زنان و مردان پذیرفته شده و مردان از مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به زنان برخوردارند.

جدول ۵- تأثیر جنسیت بر مشارکت سیاسی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	F	سطح معناداری	t	سطح معناداری
مرد	۱۸۲	۱,۶۶۴۸	۱,۱۵۲۸۴	۰,۸۵۴۵	۱۰,۶۵۹	۰,۰۰۱	۲,۸۹۷	۰,۰۰۴
زن	۱۳۲	۱,۳۱۰۶	۱,۰۰۴۸۲	۰,۸۷۴۶				

۴- تأثیر سطح تحصیلات بر مشارکت سیاسی

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون f کم‌تر از $0,05$ ($Sig=0,002$) می‌باشد. بنابراین با توجه به داده‌ها در جدول ۶ می‌توان گفت که بین سطح تحصیلات افراد و میزان مشارکت سیاسی آنان تفاوت معناداری وجود دارد بدین ترتیب که میزان مشارکت افرادی که در مقطع کارشناسی ارشد ($2,10$) قرار دارند بالاتر از دانشجویان مقطع کارشناسی بوده و همچنین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی ($1,55$) بیش‌تر از دانشجویان مقطع کاردانی ($1,09$) می‌باشد. بدین ترتیب هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بیش‌تر است.

جدول ۶- تأثیر سطح تحصیلات بر مشارکت سیاسی

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین مشارکت سیاسی	F	سطح معناداری
کاردانی	۴۴	۱,۰۹۰۹	۴,۹۳۷	۰,۰۰۲
کارشناسی	۲۵۰	۱,۵۵۲۰		
کارشناسی ارشد	۲۰	۲,۱۰۰۰		

۵- تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل جنسیت، سطح تحصیلات، میزان دینداری سنتی،

میزان دینداری مدرن بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی

جهت آزمون نهایی، تمامی متغیرهای مستقل در سه مرحله (مطابق جدول ۷) وارد معادله رگرسیون شدند که در مرحله اول متغیر میزان دینداری سنتی قدرت تبیین $0,073$ را دارد که

نشان می‌دهد این متغیر به تنهایی ۷,۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند. در مرحله دوم متغیر مقطع تحصیلی نیز به متغیر میزان دینداری سنتی اضافه شد. در این مرحله قدرت تبیین مدل ۰,۰۹۳ بوده که نشان می‌دهد این دو متغیر در مجموع ۹,۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. در مرحله آخر نیز متغیر جنسیت (مرد بودن) وارد معادله رگرسیون شده که قدرت تبیین مدل در این گام ۰,۱۰۹ می‌باشد که نشان می‌دهد سه متغیر میزان دینداری سنتی، مقطع تحصیلی و جنسیت در مجموع ۱۰,۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

جدول ۷- تحلیل رگرسیون چندگانه

خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	مراحل رگرسیون
۱,۰۶۴۱۶	۰,۰۷۳	۰,۰۷۶	۰,۲۷۶	۱ (میزان دینداری سنتی)
۰,۱۰۵۲۷۰	۰,۰۹۳	۰,۰۹۹	۰,۳۱۴	۲ (میزان دینداری سنتی، مقطع تحصیلی)
۱,۰۴۳۶۶	۰,۱۰۹	۰,۱۱۷	۰,۳۴۲	۳ (میزان دینداری سنتی، مقطع تحصیلی، جنسیت (مرد بودن))

همچنین ضرایب تأثیر رگرسیونی در جدول ۸ نشان می‌دهد در گام آخر رگرسیون یعنی گام سوم، بیش‌ترین تأثیر را متغیر دینداری سنتی بر مشارکت سیاسی دارد زیرا ضریب تأثیر این متغیر (۰,۲۴۴) از متغیرهای دیگر بالاتر می‌باشد. بعد از آن بیش‌ترین تأثیر مربوط به متغیر مقطع تحصیلی است با ضریب تأثیر (۰,۱۶۳) و متغیر جنسیت (مرد بودن) کم‌ترین تأثیر را بر متغیر مشارکت سیاسی دارد زیرا پایین‌ترین ضریب تأثیر (۰,۱۳۷) را به خود اختصاص داده است.

جدول ۸- ضرایب تأثیر رگرسیونی

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مراحل رگرسیون	
		ضریب تأثیر	خطای استاندارد	ضریب تأثیر	خطای استاندارد
۰,۰۰۰	۶,۶۱۳		۰,۱۳۶	۰,۸۹۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۵,۰۶۹	۰,۲۷۶	۰,۰۱۱	۰,۰۵۷	میزان دینداری سنی
۰,۴۱۴	۰,۸۱۷		۰,۲۷۶	۰,۲۲۵	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۴,۸۹۲	۰,۲۶۴	۰,۰۵۱	۰,۰۵۵	میزان دینداری سنی
۰,۰۰۵	۲,۷۹۸	۰,۱۵۱	۰,۱۳۰	۰,۳۶۲	سطح تحصیلات
۰,۸۹۳	۰,۱۳۴		۰,۲۸۳	۰,۰۳۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۴,۵۲۰	۰,۲۴۴	۰,۰۵۱	۰,۰۵۱	میزان دینداری سنی
۰,۰۰۳	۳,۰۲۸	۰,۱۶۳	۰,۱۲۹	۰,۳۹۰	سطح تحصیلات
۰,۰۱۲	۲,۵۳۳	۰,۱۳۷	۰,۱۲۱	۰,۳۰۶	مرد بودن

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی از طریق دخالت دادن مردم در امور سیاسی و به‌ویژه بحث انتخابات می‌تواند عامل برقراری ارتباط و تعامل افراد با نظام سیاسی باشد. شهروندان هر جامعه با حضور در فرآیند مشارکت سیاسی می‌توانند خواسته‌ها و مطالبات خود را به نظام منتقل کرده و در صورت توجه به مطالبات مذکور نوعی احساس رضایت‌مندی شکل گرفته که نهایتاً منجر به مشروعیت بیشتر نظام‌ها خواهد شد. در این بین دینداری و منابع دینی نقش بسیار تأثیرگذاری بر ورود افراد به عرصه مشارکت و زندگی سیاسی دارند.

با توجه به داده‌های به‌دست آمده مشخص شد که سطح دینداری سنتی دانشجویان منجر به افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها می‌شود. بدین ترتیب فرض اصلی محقق مبنی بر مثبت و معنادار بودن رابطه مذکور تأیید می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات دیگر از جمله (سیدامامی و عبدالله، ۱۳۸۸)، (هاشمی، فولادیان و فاطمی امین، ۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. البته فرضیه دیگر تحقیق مبنی بر قوی‌تر بودن دینداری زنان به اثبات نرسید چرا که نمره دینداری مردان بالاتر بوده که این موضوع برخلاف نتایج تحقیقات اونیل (۲۰۰۴) و دود و هافمن (۲۰۰۹) می‌باشد.

تحصیلات نیز تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی افراد دارد. یافته‌ها نشان دادند که با بالا رفتن سطح تحصیلات مشارکت سیاسی دانشجویان نیز بیش‌تر می‌شود. این رابطه می‌تواند در تحقیقات آتی بیش‌تر مورد توجه محققین قرار گیرد. البته ذکر این نکته هم ضروری است که نمره دینداری پاسخگویان در بعد مناسکی تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد. در این بین ضعیف‌ترین نمره آن‌ها مربوط به شرکت در نماز جمعه و نمازهای جماعت بوده که این موضوع می‌بایست مورد توجه مسئولین قرار بگیرد.

نکته حائز اهمیت برای نظام‌های سیاسی توجه به دین و منابع آن می‌باشد. چرا که «مشارکت دینی منظم، احساس تعلق به تشکیلات دینی، فعالیت گروهی و حضور در مراسم‌های عبادی می‌تواند به ترغیب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بینجامد» (Norris & Inglehart, 2004: 24). آلموند هم معتقد است ادیان بزرگ دنیا که حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی‌اند اغلب پیامدهای سیاسی دارند و وابستگی‌های دینی همواره منابع مهمی هستند که می‌توانند مردم را به ساخت انتخاب‌های سیاسی هدایت کنند (Almond et al., 2000: 58). نهایتاً اینکه مشارکت، انتخاب‌ها و فعالیت‌های سیاسی شهروندان انسجام و ثبات سیاسی را به همراه خواهد داشت که این انسجام بیش‌تر از طریق کارویژه‌های یکپارچه دین حفظ می‌شود (Karaman, 2004: 41).

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

امام جمعه‌زاده، جواد، محمود اوغلی، رضا و عیسی‌نژاد، امیر (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره اول. ص ۷-۳۴.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۰). شریعت در آئینه معرفت. قم: مرکز نشر اسراء. خداوردی، علی (۱۳۸۴). مشارکت عمومی و همبستگی ملی. انتشارات سازمان عقیدتی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی.

سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). چالش‌های دین و مدرنیته. تهران: طرح نو. سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶). «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۶، ص ۵۲-۳۳. سیدامامی، کاووس و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات

- ریاست جمهوری و مجلس - مطالعه موردی شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، ص ۱۰۹-۱۴۶.
- شجاعی‌زند، علیرضا، شریعتی‌مزیانی، سارا و حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت دینداری در بین دانشجویان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم. شماره ۲، ص ۸۰-۵۵.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱. ص ۶۶-۳۴.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۶۳). المیزان. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر و جهانگیری، جانگیر (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول، ص ۱۰۹-۸۳.
- محمدی، مجید (۱۳۷۸). درآمدی بر رفتارشناسی دانشجویان در ایران امروز. تهران: انتشارات کویر.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌ا... (۱۳۶۱). صحیفه نور، جلد هفتم. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌ا... (۱۳۶۱). صحیفه نور، جلد سوم. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- میلبرث، لستر و گوئل، لیل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه رحیم ابوالحسنی. تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدضیاء، فولادیان، مجید و فاطمی‌امین، زینب (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی. سال پنجم، شماره اول، ص ۲۲۶-۱۹۹.
- هانتینگتن، ساموئل و واینر، مایرون (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی

- Alford, Robert. R. & Friedland, Roger (1975). "Political Participation and Public Policy", **Annual Review of Sociology**, Vol 1: 429-479.
- Almond, Gabriel. A. & et al. (2000). **Comparative Politics Today: a World View**. New York: Longman
- Almond, Gabriel. A. & Verba, Sidney (1963). **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations**. Princeton University Press.
- Ayers, John. W. & Hofstetter, C. Richard (2008). "American Muslim Political Participation Following 9/11: Religious Belief, Political Resources, Social Structures, and Political Awareness", **Politics and Religion**. Vol 1. No 01: 3-26.

- Barnett, Tim. Bass, Ken & Brown, Gene (1996). "Religiosity, Ethical Ideology, and Intention to Report a Peer's Wrong Doing", **Journal of Business Ethics**, Vol 15: 1161-1174.
- Dahl, Robert. A. & Stinebrickner, Bruce (2005). **Modern Political Analysis**. India, New Delhi: Prentice-Hall.
- Dana, Karam. Barreto, Matt A. & Oskooii. Kassra, A.R. (2011). "Mosques as American Institutions: Mosque Attendance, Religiosity and Integration into the Political System among American Muslims", **Religions**, Vol 2, No 4: 504-524.
- Dowd, Robert. & Hofman, Michael (2009). "**Religion, Gender and Political Participation in Sub-Saharan Africa :Lessons of Nigeria, Senegal and Uganda**", paper presented at the annual meeting of the Midwest political science association 67TH annual national conference, the Palmer House Hilton, Chicago, Il, Apr 02.
- Driskell, Robyn. Elizabeth, Embry. & Larry, Lyon (2008). "Faith and Politics: The Influence of Religious Beliefs on Political Participation", **Social Science Quarterly**, Vol 89, No 2: 294-314.
- Esposito, John L. & Mogahed, Dalia (2007). **Who Speaks for Islam? What a Billion Muslims Really Think**. New York, NY: Gallup Press.
- Esposito, John L. & Voll, John O. (1996). **Islam and Democracy**. New York, NY: Oxford University Press.
- Fukuyama, Francis (1992). **The End of History and the Last Man**. New York, NY: Free Press.
- Gunes, Murat Tezcur & Azadarmaki, Taghi (2008). "Religiosity and Islamic Valein Iran", **Journal for the Scientific Study of religion**, Vol 47 (2): 211-224.
- Hamilton, Malcolm (1995). **The Sociology of Religion**. New York: Routledge.
- Hansen, Susan, B. (1975). "Participation, Political Structure and Concurrence", **the American Political Science Review**, Vol 69, No 4: 1181-1199.
- Huntington, Samuel (1996). **The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order**. New York, NY: Simon & Schuster.
- Huntington, S. & Nelson, J. (1976). **No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries**, Cambridge: Harvard University.
- Inglehart, Ronald & Norris, Pippa (2003). "The True Clash of Civilizations", **Foreign Policy**, vol 135: 62-70.
- Jamal, Amaney (2005). "The Political Participation And Engagement of Muslim Americans Mosque Involvement and Group Consciousness", **American Politics Research**, Vol 33. No 4: 521-544.
- Jelen, Ted. G. (1995). "Religion and the American Political Culture: Alternative Model of Citizenship and Discipleship", **Sociology of Religion**, Vol 56, No 3: 271-284.
- Jemna, V. & Curelaru, M. (2009). "Values and Student's Political Participation", **Journal for the Study of Religions and Ideologies**. Vol 8, No 24: 168-188.
- Jones-Correa, Michael. A. & Leal, David. L. (2001). "Political Participation: Does

- Religion Matter?", **Political Research Quarterly**. Vol 54, No 4: 751-770.
- Karaman, M. Lutfullah (2004). "Religion, Politics, And Mobilization: A Theoretical Perspective With A Special Note On "The Indian Khilafat Movement", **Alternatives: Turkish Journal of International Relations**. Vol 3, No1: 36-55.
- Lee, Jongho. & Harry, P. Pachon (2007). "Leading the Way: An Analysis of the Effect of Religion on the Latino Vote", **American Politics Research**. Vol 35, No 2: 252-272.
- lipset, Seymour. M. (1960). **Political Man, the Social Bases of Politics**, New York: Doubledy & company, INC.
- McCluskey, Herbert (1968). "Political Participation" in: David L. Sills. **International Encyclopedia of Social Science**. Vol.12-13. pp 252-265. New York: MacMillan Company and Free press.
- Norris, Pippa (2000). "Us Campaign 2000: of Pregnant Chads, Butterfly Ballots and Partisan Vitriol", **Government and Opposition**, Vol 36, No 1: 3-131.
- Norris, Pippa (2005). "Political Activism: New Challenges, New Opportunities" in Charles Boix and Susan, C. Stokes (eds). **The Oxford Handbook of Comparative Politics**. New York: Oxford University Press.
- Norris, Pippa & Inglehart, Ronald (2004). **Scared and Secular: Religion And Politics Worldwide**, Cambridge University Press.
- O'Neill, B. (2004). **Gender, Religion, Social Capital and Political Participation**, prepared for delivery at the annual meeting of the American political science association.
- Philpot, Daniel (2007). "Explaining the Political Ambivalence of Religion", **American Political Science Review**. Vol 101, No 3: 505-525.
- Rush, M. (1992). **Politics & Society, An Introduction to Political Sociology**. New York, Sydney: Prentice Hall.
- Stark, Rodney & Glock, Charles. Y. (1974). **American piety: the Nature of Religious Commitment**. University of California Press.
- Tessler, Mark (2002). "Islam and Democracy in the Middle East: The Impact of Religious Orientations on Attitudes Toward Democracy in Four Arab Countries", **Comparative Politics**. Vol 34. No 3: 337-354.
- Verba, S. Scholzman, K.L. & Brady, H. (1995). **Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics**. Cambridge: Harvard University Press.
- Vitell, Scott. J. Paolillo, Joseph, GP. & Singh, Jatinder. J. (2005). "Religiosity and

